

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ اپریل ۲۰۲۰

ملا چرا دشمن علم است؟

سه شنبه- ۰۲ ثور ۱۳۹۹ - کابل: حال که تقریباً اکثریت افرادی مانند من که با معاش بخور و نمیر زندگانی می نمودیم، خانه نشین شده ایم و امکان این را نداریم تا بادیدن دوستان و همکاران و تبادل نظریه با یکدیگر، درد ها و رنج های خود و مردم ما را به بحث بگیریم، فکر می کنم تمام این محبوسان کرونا، برای خود برنامه خاص خود را ساخته اند تا درد و رنج حبس خانگی را قابل تحمل بسازند. از جمله به ابتکار یکی از دوستان ما هم تصمیم گرفتیم تا علی رغم وضعیت خراب و آهسته انترنیت، تا جایی که امکانات فراهم باشد، بین چند تن از دوستان، از طریق سکایپ صحبت های کنفرانس گونه برگزار نماییم، تا از یک جانب از حبس خانگی رهایی یافته باشیم و از جانب دیگر از گذشت زمان استفاده لازم نیز ببریم.

به همین منظور امروز با زحمت زیاد و با تحمل قطع و وصل های متواتر قادر شدیم جلسه صحبتی با ۵ تن از دوستان و همکاران تشکیل دهیم. موضوع بحث امروز ما، یافتن پاسخ و دلیل خیره سری تعدادی از ملا ها هم در افغانستان و هم در خارج از افغانستان در مقابل علم بود، که چکیده بحث ها را در یادداشت امروز تقدیم تان می نمایم:

۱- دو تن از دوستان شرکت کننده در جلسه سکایپ، اعتقاد راسخ داشتند که دلیل ضدیت قشر آخوند در کل، اعتقاد محکم آنها به باور های شان و آنچه را آنها طی سالیان طولانی در کتابهای زرد خوانده اند، می باشد. این دو دوست استدلال می نمودند که باور قشر آخوند به این که کلاً علم دو علم است، علم دین و علم بدن؛ و اعتقاد به این که در پیامبران الهی هر دو علم جمع بوده و این آنها بوده اند که می توانستند هر بیماری را شفاء دهند و از جانب دیگر اعتقاد به این که حیات و ممات انسانها، تندرستی و مریضی آنها، شفاء و تشدید مریضی آنها همه به دست خداست، در تقابل با علم، منطق و جمیع پیشرفت های جامعه انسانی قرار دارند.

این دو دوست استدلال می نمودند که قشر آخوند با اعتقاد به این که "هیچ تر و خشکی نیست، مگر این که در قرآن ذکر شده باشد" تمام اکتشافات و اختراعات امروز را نیز برخاسته از ریشه های قرآنی دانسته، معتقد اند که کافران از ادیسن تا انشتین و بقیه، همه علوم و اختراعات شان را از قرآن سرقت نموده اند.

بنا به گفته این دوستان، قشر آخوند به علت غرق بودن در جهل با هر آنچه علم است، می خواهد طبابت باشد یا فزیک، اقتصاد باشد یا تاریخ و یا حقوق، بیولوژی باشد و یا کیمیا و علوم دیگری مخالفت می نمایند.

۲- بقیه دوستان شرکت کننده که من هم جزئی از آنها بودم، معتقد بودیم و هستیم که پایه‌ اساسی مخالفت قشر آخوند با ترقی و پیشرفت به خصوص در کشورهای اسلام زده، بیشتر از آن که پایه‌ معرفتی و اعتقادی داشته باشد، به خاطر حفظ منافع مادی و طبقاتی آنهاست.

استدلال ما در کل این بود که آخوند حتماً آنهایی که از اسلام استفاده ابزاری می‌کنند و چندان اعتقادات محکم و استواری هم ندارند و می‌شود گفت فهم و دانش آنها نیز در چنان سطحی است که نمی‌شود بدانها گفت "جاهل و نادان اند"، در اساس مخالفت آنها بیش از آن که با نفس علم باشد با حامل و نماینده علم است. چنانچه در گذشته که ملا تنها حریف خود را در جامعه، قشر معلم احساس می‌کرد، از خون هندو و نصاری می‌گذشت مگر از خون معلم نه و اینک که مبارزه علیه مرض کرونا، امکان آن را به وجود آورده تا افرادی مصروف و آگاه در امور طبی، از مقام و منزلت برتری نسبت به آخوند برخوردار گردد و مردم داکتر را بالاتر از ملا و در صدر مجلس بنشانند، قشر آخوند کلاً برای حفظ منافع و جایگاه طبقاتی شان و جهت به زیر کشیدن حریف بالقوه شان، می‌پردازند به نفی طب و طبابت و در نتیجه یکی از شاش شتر شتر آب حیات می‌سازد و آن دیگری از روغن گل بنفشه انتظار معجزه دارد و سومی ارج و شفاعتشی دم و دعا را به اوج اعلی می‌رساند.

استدلال این جمع آن بود، که ضدیت قشر آخوند با علم و تمام شاخه‌ها و شعب آن، پایه‌ معرفتی اعتقادی نداشته، بلکه مبنای اساسی حفظ منافع طبقاتی قشر خودشان است که می‌خواهند با نفی علم و دانش، دانشمند، داکتر، معلم و افراد خیره را بی اعتبار بسازند.

این جمع استدلال می‌نمودند که دلیل چنین تقابل علم و دین در جوامع اسلامی و یا هم اسلام زده، لرزان بودن موقف طبقاتی قشر ملا و آخوند در مقایسه با کشورهای غربی به اصطلاح سکولار است. چه در آن جوامع که مذهب قادر شده جایگاه مشخص و حدود صلاحیت هایش را در ساختار جامعه تثبیت نماید، ضرورت آن را احساس نمی‌کند که خود را با علم و عالم در تقابل قرار دهد، مثال آن "پاپ" و حواریون دور و بر کلیساست، چه نیک می‌دانند که جایگاه آنها در جامعه و در ساختار اجتماعی چنان تثبیت شده است که هیچ‌گاهی یک داکتر نمی‌تواند تصرف و یا تخریب نماید از همین رو به صد ها شفاخانه و درمانگاه، کلیسا خودش به وجود آورده و داکتر و علم طب را در خدمت منافع خودش قرار داده است.

هموطنان گرامی!

بحث دو طرف در همین جا به پایان نرسید، در حالی که چند تن جهت صحبت ثبت نام نموده بودند، با تأسف انترنیت فرمان خودش را صادر نموده، با قطع پیوند سه تن از دوستان، بحث ناتمام ماند. مطمئن باشید در صورتی که باز هم فرصت دست دهد تا بحث ادامه یابد شما را در جریان قرار خواهم داد.

هموطنان گرامی!

بسیار آرزومندم تا شما هم در این بحث شرکت نمائید.